

افزایش «افغان‌ستیزی» و اخراج هزاران نفر پس از جنگ اسرائیل و ایران



پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، بازداشت و اخراج مهاجران افغان از ایران شدت گرفته است. طبق اعلام وزارت کشور ایران، حتی در طول روزهای جنگ نیز روند بازداشت افغان‌ها متوقف نشد. دولت ایران اسفند پارسال برای برگشت افغان‌های «غیرمجاز» ضرب‌الاجل اعلام کرد ولی پس از جنگ اسرائیل و ایران این روند شدت بی‌سابقه‌ای یافته است.

طبق گزارش آژانس پناهندگان سازمان ملل، ۷۰ درصد بازگشتی‌ها به اجبار اخراج شده‌اند که شمار زیادی از آنها زنان و کودکان هستند.

عرفات جمال، نماینده کمیساریای عالی سازمان ملل در افغانستان، گفته است که «بازگشتی‌ها در مرزها به حدی زیاد شده‌اند که دیگر قابل مدیریت نیست. گاهی تا پنج اتوبوس همزمان از ایران وارد می‌شود با زن و مرد و کودکانی که خسته، گرسنه، سرگردان و شوکه شده‌اند.»

افغان‌های مقیم ایران می‌گویند موج تازه اخراج‌ها همراه با تبلیغات رسانه‌ای و حتی تشویق عمومی برای گزارش دادن افغان‌های فاقد مدرک است. بسیاری از افغان‌ها می‌گویند در کوچه و بازار با برچسب‌هایی مانند «جاسوس اسرائیل» به آنها توهین می‌شود.

روزانه هزاران نفر از مرز دوغارون-اسلام‌قلعه عبور می‌کنند و بسیاری از آنها از بدرفتاری مأموران مرزی ایران شکایت دارند. برخی مدعی‌اند حتی «با وجود داشتن مدارک قانونی» نیز بازداشت و اخراج شده‌اند.

تنها در یک ماه گذشته (ماه ژوئن)، بیش از ۲۳۰ هزار مهاجر افغان از ایران به افغانستان برگشته‌اند. پیش‌تر، دولت ایران ضرب‌الاجلی تعیین کرده بود که تا ۱۵ تیر (۶ ژوئیه)، تمامی مهاجران بدون مدرک باید این کشور را ترک کنند.

....

برگرفته از بی بی سی فارسی

۱۱ تیر ۱۴۰۴ - ۲ ژوئیه ۲۰۲۵

قتل‌های ناموسی «زن‌کُشی» را محکوم می‌کنیم

همبستگی برای حقوق بشر در ایران

Solidarity Network for Human Rights in Iran

یکی از بارزترین نوع خشونت، قتل های ناموسی «زن کُشی» است که یکی از اساسی ترین مورد نقض حقوق بشر است. بوسیله قتل های ناموسی یا «زن کُشی» یکی از بدیهی ترین حقوق انسانی زنان گرفته می شود. در سال اخیر آمار قتل های ناموسی و زن کشی بشدت بالا رفته است، بطوریکه گزارش ها نشان می دهد در طی سه هفته گذشته دستکم ۲۲ زن در نقاط مختلف ایران قربانی قتل های ناموسی شده اند. البته آمار واقعی بیش از این ها است زیرا بخشی از قتل ها هیچ گاه گزارش نمی شوند.

دلایل اینکه چرا این چنین آمار قتل های ناموسی یا «زن کُشی» بالا می رود، بسیار است که می توان این عوامل را برشمرد:

قوانین زن ستیز، مذهب، مردسالاری، فقر، وابستگی اقتصادی، کودک همسری، سنتها، محافظت از «ناموس، غیرت، آبرو و شرف» و فرهنگ جامعه.

بطور کل در قوانین اسلامی ایران، جان انسان ها بر اساس مادی قیمت گذاری می شود و می بینیم که ارزش مادی زن نصف ارزش مرد است. نگاهی به قوانین جزا و قصاص اسلامی بی ارزشی جان انسان ها و به ویژه زنان را نشان می دهد.

بر اساس قوانین مدنی ایران، زنان در تملک پدر، پدر بزرگ، برادر، عمو و همسر و بطور کل نرینه های خانواده و جامعه اند که زمینه ای بسیار قوی برای قتل های ناموسی «زن کُشی» را فراهم می سازند. به عبارت دیگر می توان گفت مجوزهای قانونی غیر مستقیم برای این عمل وجود دارد.

یکی از فعالین حقوق زنان می گوید که در بیست سالی که در کردستان در مورد قتل های ناموسی کار می کردم ندیده ام، که قاتل

یک زن قصاص شود: "آن کسانی که میکشند، میدانند که قانون با آنها هیچ کاری ندارد و حتی به نوعی مورد حمایت نیز قرار میگیرند".

بطور کل میتوان گفت که مرد سالاری، مذهب، سنت و فقر بسیار اثر گذار است. در شرایط حاضر که در اثر بحران اقتصادی، فقر مطلق در جامعه بیداد میکند و اکثریت زنان استقلال اقتصادی ندارند و وابسته به مردان هستند نمیتوانند خود را از شرایطی که احتمال قتل وجود دارد، رها سازند. طبق آمار، قتل‌های ناموسی در مناطق فقیر نشین بیشتر است. در خانواده‌های فقیر شرایط دختران بسیار بدتر از پسران است و دختران محدودیتهای بیشتری دارند. به دلیل همین محدودیتها امکان قتل‌های ناموسی بالا میرود و همچنین بدلیل فقر اقتصادی احتمال ازدواج زودرس برای اینکه پدر توانایی تامین هزینه دختر را ندارد بالا میرود.

همچنین در جامعه مرد - پدرسالار که تحت حکومت اسلامی است زنان بصورت ناموس، غیرت و آبروی مردان- پدران جامعه درآمده‌اند و این سالارهای جامعه برای حفظ ناموس، غیرت و آبرو به قتل زنان می‌پردازند.

کمبود آگاهی زنان و مردان جامعه باعث میشود که تمام موارد بالا تشدید شود و بالا بردن آگاهی‌ها باعث میشود که آحاد جامعه در مقابله با قتل‌های ناموسی اقدام کنند. محکوم کردن این قتل‌ها و ایجاد کمپین‌هایی که برای توقف قتل‌های ناموسی و زن کشی فعالند، بسیار اهمیت دارد و هستند کمپین‌هایی که در این زمینه فعالند.

البته باید در نظر داشت که با بالا رفتن آگاهی زنان و نقش جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و همچنین رشد و آگاهی زنان و موفقیت آنان در تحصیلات دانشگاهی و عدم پذیرش قواعد جامعه و فرهنگ عقب مانده مرد سالار، بخشی از زنان و دختران ممکن است که زورگویی و مردسالاری را تحمل نکنند و در مقابله با آن اقدام کنند که ممکن است باعث قتل‌های ناموسی گردد. تعدادی از قتل‌های ناموسی اخیر که در مقابله با تبعیض، ازدواج اجباری، اصرار در جدا شدن، داشتن رابطه دوستی و یا روابط جنسی با جنس مخالف اتفاق افتاده، هزینه ایست که زنان در نبود قوانین مناسب برای حمایت زنان می‌پردازند.

ما از همه تشکل های زنان، سازمان های حقوق بشری و نهادها و احزاب دموکراتیک می خواهیم که با ما همراه شده، قتل های ناموسی «زن کُشی» را محکوم کرده و به کمپین ها برای کاستن این نوع قتل ها بپیوندند و آنچه در توان دارند بکار ببرند تا بتوانند زنان را از این نوع خشونت که زندگی را نابود می کند، رها سازند.

شبکه همبستگی برای حقوق بشر در ایران

ماه می ۲۰۲۵ برابر با اردیبهشت ۱۴۰۴

امضا کنندگان:

- ۱ - انجمن زنان ایرانی - آلمانی کلن
- ۲ - انجمن زنان پرتو
- ۳ - انجمن زنان مونترال
- ۴ - اتحاد چپ زنان
- ۵ - انجمن حقوق بشر و دموکراسی برای ایران - هامبورگ
- ۶ - انجمن فرهنگی ایران و سوئیس - ژنو
- ۷ - انجمن حقوق بشر در قرن ۲۱، آلمان
- ۸ - بنیاد اسماعیل خویی
- ۹ - جبهه آزادی و نجات ایران (جان ایران)
- ۱۰ - حامیان مادران پارک لاله - هامبورگ
- ۱۱ - حامیان مادران پارک لاله - فرزنو
- ۱۲ - زنان برای آزادی و برابری پایدار
- ۱۳ - صدای زنان سوسیال دموکرات ایران
- ۱۴ - فدراسیون اروپا پرس
- ۱۵ - کانون فیلم - تئاتر "روند"
- ۱۶ - کانون مدافعان حقوق بشر کردستان

- ۱۷- کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی - پاریس
- ۱۸- کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران - هجا
- ۱۹- کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران
- ۲۰- کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران - شیکاگو
- ۲۱- کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی
- ۲۲- کمپین توقف قتل های ناموسی
- ۲۳- کمیسیون حقوق بشر حزب جمهوری خواه سوسیال دموکرات و لائیک ایران
- ۲۴- کمیسیون زنان حزب سوسیال دموکرات لائیک ایران
- ۲۵- گروه نه به جمهوری اسلامی - اورنج کانتی، کالیفرنیا
- ۲۶- مادران پارک لاله - آلمان (دورتموند تا کلن)
- ۲۷- مادران صلح مونترال
- ۲۸- نهاد «همه حقوق بشر، برای همه، در ایران»
- ۲۹- همبستگی ملی ایرانیان فرزنو - کالیفرنیا
- ۳۰- همکاری کلکتیو - کلن
- حمایت کنندگان:
- ۳۱- انجمن جمهوری خواهان آلمان
- ۳۲- جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران
- ۳۳- حزب آزادی و رفاه ایرانیان (آرا)
-

ایران مسئول ۶۴ درصد اعدام‌های ثبت‌شده در جهان در سال ۲۰۲۴ است



گزارش سالانه سازمان عفو بین‌الملل سال ۲۰۲۴

سازمان عفو بین‌الملل در گزارش سالانه خود با عنوان «احکام اعدام و اجرای آن‌ها در سال ۲۰۲۴» اعلام کرد که شمار ثبت‌شدهٔ اعدام‌ها در جهان طی این سال به ۱۵۱۸ مورد رسید که بالاترین رقم از سال ۲۰۱۵ تاکنون است. بیش از ۹۱ درصد این اعدام‌ها تنها در سه کشور ایران، عراق و عربستان سعودی انجام شده‌اند.

بر اساس این گزارش، هرچند تعداد کشورهایی که در سال ۲۰۲۴ حکم اعدام اجرا کرده‌اند تنها ۱۵ کشور بوده و این پایین‌ترین رقم در تاریخ ثبت‌شده است، اما استفاده از مجازات اعدام به‌ویژه در خاورمیانه با روندی نگران‌کننده روبه‌رو بوده است. چین، ایران، عربستان، عراق و یمن در صدر کشورهایی قرار دارند که بیشترین اعدام‌ها را به ثبت رسانده‌اند؛ با این‌که رقم دقیق اعدام‌ها در کشورهایی مانند چین، کره شمالی و ویتنام همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است.

۲۰۲۴: بزرگ‌ترین کشورهای اعدام‌کننده جهان

شمار اعدام‌های ثبت
شده در سال ۲۰۲۴ در
قیاس با سال ۲۰۲۳
بیش از دو برابر شد

۵
یمن: ۳۸ + نفر اعدام
شدند

شمار اعدام‌های ثبت شده
در سال ۲۰۲۴ تقریباً ۴
برابر بیشتر از اعدام‌های
سال ۲۰۲۳ بود

۴
عراق: ۶۳ + نفر اعدام
شدند

شمار اعدام‌های ثبت
شده در سال ۲۰۲۴
در قیاس با سال
۲۰۲۳ دو برابر شد

۳
عربستان سعودی: ۳۴۵ + نفر اعدام
شدند

بیش از نیمی از این
اعدام‌ها به خاطر جرائم
مرتبط با مواد مخدر
بودند

۲
ایران: ۹۷۲ + نفر اعدام
شدند



نفر اعدام شدند
اطلاعات مربوط به اعدام‌ها
محرمانه است

۱
چین: هزاران



Courtesy Image

منبع: عفو بین‌الملل

در ایران، ۹۷۲ نفر در سال ۲۰۲۴ اعدام شدند که ۶۴ درصد کل اعدام‌های ثبت‌شده در جهان را شامل می‌شود. این آمار نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در ایران دستکم ۱۱۹ نفر بیشتر از سال پیشتر اعدام

کرده است. آمار ثبت‌شدهٔ اعدام‌ها در ایران در سال ۲۰۲۳، دست‌کم ۸۵۳ نفر بود.

عربستان سعودی نیز آمار اعدام‌های خود را نسبت به سال گذشته دو برابر کرده و عراق نیز شمار اعدام‌هایش را تقریباً چهار برابر افزایش داده است.

عفو بین‌الملل هشدار داده است که در برخی کشورها، از جمله ایران و عربستان سعودی، مجازات اعدام به ابزاری برای سرکوب مخالفان سیاسی، معترضان، مدافعان حقوق بشر و اقلیت‌های قومی تبدیل شده است. به‌ویژه در ایران، پس از خیزش «زن، زندگی، آزادی»، برخی افراد از جمله یک جوان دارای معلولیت ذهنی، پس از محاکمه‌های ناعادلانه و اعترافات گرفته‌شده تحت شکنجه، اعدام شده‌اند.

آگنس کالامار، دبیرکل عفو بین‌الملل، در این‌باره گفت: «کسانی که جرأت کرده‌اند با مقام‌ها مقابله کنند، با بی‌رحمانه‌ترین مجازات‌ها روبه‌رو شده‌اند؛ به‌ویژه در ایران و عربستان سعودی که از مجازات اعدام برای ساکت کردن کسانی استفاده شده که شجاعانه سخن گفته‌اند.»

بخشی قابل توجه از اعدام‌های ثبت‌شده سال ۲۰۲۴ در جهان (بیش از ۴۰ درصد) به جرایم مربوط به مواد مخدر مربوط بوده‌اند؛ اقدامی که برخلاف استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر است، چرا که این جرایم در زمره «جدی‌ترین جرم‌ها» قرار نمی‌گیرند.

گزارش سالانه اعدام در ایران؛ ۲۰۲۴



سازمان حقوق بشر ایران

سازمان «با هم علیه مجازات اعدام» (ECPM)

[متن کامل گزارش را به فارسی بخوانید \(پیدیاف\)](#)

هفدهمین «گزارش سالانه اعدام در ایران»، کاری از سازمان حقوق بشر ایران و سازمان «با هم علیه مجازات اعدام» (ECPM)، به ارزیابی و تحلیل روند مجازات اعدام در سال ۲۰۲۴ در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. تعداد اعدام‌ها در سال ۲۰۲۴، روند آن‌ها نسبت به سال‌های گذشته، چارچوب قانونی و رویه‌ها، اتهامات، توزیع جغرافیایی و تفکیک ماهانه اعدام‌ها در این گزارش آمده است. همچنین فهرست کودک-مجرمان و زنان اعدام‌شده در سال ۲۰۲۴ نیز در جدول‌های تدوین‌شده در این گزارش ارائه شده است.

این گزارش همچنین به جنبش لغو مجازات اعدام در ایران، دربرگیرنده جنبش بخشش، و سهم آن در کاهش به‌کارگیری مجازات اعدام می‌پردازد و تحلیلی درمورد اینکه چگونه جامعه بین‌الملل می‌تواند در محدودکردن دامنه مجازات اعدام در ایران مشارکت کند، به دست می‌دهد.

گزارش ۲۰۲۴ نتیجه کار سخت اعضا و حامیان «سازمان حقوق بشر ایران» و داوطلبانی است که در گزارش، مستندسازی، گردآوری، تحلیل و نگارش محتوای آن مشارکت داشتند. ما به‌ویژه از منابع سازمان حقوق بشر ایران در داخل کشور سپاسگزاریم که با گزارش اعدام‌های اعلام‌نشده و مخفیانه در زندان‌های ۳۰ استان کشور، خطر قابل‌توجهی را به جان می‌خرند.

با توجه به شرایط بسیار دشوار و فقدان شفافیت رسمی در کنار خطرهای محدودیت‌های آشکاری که مدافعان حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران با آن مواجه‌اند، این گزارش نمی‌تواند شامل تمامی موارد مجازات اعدام در ایران باشد. سازمان حقوق بشر ایران دستکم ۳۹ گزارش اعدام دریافتی را در این گزارش لحاظ نکرده است، چراکه تکمیل‌بودن و بنابر استانداردهای ما به آمار اضافه نشده‌اند. با این حال، هدف از تدوین این گزارش، دستیابی به کامل‌ترین و واقعی‌ترین آمار در شرایط کنونی است. گزارش حاضر، مرگ‌های مشکوک در بازداشتگاه، زندانیان محکوم به اعدامی که قبل از اعدام در زندان جان سپرده‌اند، یا کسانی را که زیر شکنجه

کشته شدند، شامل نمی‌شود.

سازمان «با هم علیه مجازات اعدام» (ECPM) از تدوین، فرایند ویرایش و انتشار این گزارش در چارچوب فعالیت‌های بین‌المللی خود علیه مجازات اعدام حمایت می‌کند. تنها با اتخاذ یک استراتژی قوی برای نشر و توزیع اطلاعات می‌توان بر معضل نبود شفافیت در مورد مجازات اعدام در ایران چیره شد. هدف سازمان حقوق بشر ایران و ECPM از انتشار این گزارش‌ها، ارائه حقایقی است که بر دیدگاه بین‌المللی اثر بگذارد و در نتیجه، به ایجاد تغییر در ایران درخصوص مجازات اعدام کمک کند. ایران به نسبت جمعیت، در صدر کشورهای اعدام‌کننده جهان قرار دارد.

گزارش سالانه ۲۰۲۴ در یک نگاه

- دستکم ۹۷۵ تن در سال ۲۰۲۴ در ایران اعدام شده‌اند. این عدد نسبت به ۸۳۴ اعدام که در سال گذشته میلادی ثبت شد، ۱۷ درصد افزایش یافته است.
- تنها ۹۵ اعدام (کمتر از ۱۰ درصد) از سوی مقام‌های رسمی یا رسانه‌های داخلی گزارش شده‌اند. این آمار ۱۵ درصد در سال ۲۰۲۳، ۱۲ درصد در سال ۲۰۲۲، ۱۶ درصد در سال ۲۰۲۱ و میانگین آن بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ حدود ۳۳ درصد بود.
- ۹۰ درصد از کل اعدام‌های گنجانده‌شده در گزارش ۲۰۲۴، یعنی ۸۸۰ اعدام، از سوی مقام‌ها اعلام نشده است.
- دستکم ۵۰۳ اعدام (۵۱.۶ درصد از کل اعدام‌ها) با اتهام‌های مربوط به مواد مخدر اجرا شده‌اند. این آمار در سال ۲۰۲۳ برابر با ۴۷۱، در سال ۲۰۲۲ برابر با ۲۵۶ مورد (۴۴ درصد) و در سال ۲۰۲۱ میلادی ۱۲۶ مورد (۳۸ درصد) بوده است. اما بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ به طور میانگین سالانه ۲۴ تن به این اتهام اعدام شدند.
- تنها ۱۵ مورد یعنی سه درصد از ۵۰۳ اعدام مرتبط با مواد مخدر از سوی منابع رسمی اعلام شده است.
- دستکم ۴۱۹ اعدام (۴۳ درصد از کل اعدام‌ها) به اتهام قتل بوده است.
- دو معترض در بین کسانی بودند که به اتهام قتل عمد اعدام شدند.
- دستکم ۳۱ نفر، از جمله ۹ شهروند کُرد و یک تن که از کشورهای همسایه ربوده و به ایران برده شده بود، برای اتهام‌های امنیتی (محاربه، بغی و افساد فی‌الارض) اعدام

شدند.

▪ دستکم ۲۲ نفر به اتهام تجاوز جنسی اعدام شدند.

▪ ۴ نفر در ملأعام به دار آویخته شدند.

▪ دستکم ۱ کودک-مجرم در میان اعدامشدگان بود. پرونده ۳ مورد احتمالی دیگر در زمان تدوین گزارش در دست بررسی بود.

▪ دستکم ۳۱ زن اعدام شدند که بالاترین آمار اعدام زنان طی دستکم ۱۷ سال گذشته بوده است.

▪ دستکم پنج تن از اعدامشدگان از بیماریهای روحی روانی یا معلولیت رنج می‌بردند.

▪ دستکم ۸۰ شهروند افغان اعدام شدند. این آمار در سال ۲۰۲۳ برابر با ۲۵ تن و در سال ۲۰۲۲ برابر با ۱۶ تن بود.

▪ دستکم ۵۳۴ اعدام در سال ۲۰۲۴ و بیش از ۵۰۷۵ اعدام از سال ۲۰۱۰، بر اساس احکام اعدام صادرشده در دادگاه‌های انقلاب بوده است.

▪ دستکم ۶۴۹ زندانی که به اتهام قتل به اعدام محکوم شده بودند، ازسوی خانواده‌های قربانیان قتل براساس قوانین قصاص بخشیده شدند.

گزارش سالانه هفدهم درباره مجازات اعدام در ایران که توسط سازمان حقوق بشر ایران (IHRNGO) و همبستگی علیه مجازات اعدام (ECPM) منتشر شده است، از افزایش نگران‌کننده استفاده از مجازات اعدام توسط جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۴ پرده برمی‌دارد. در این سال، دستکم ۹۷۵ اعدام انجام شده است که نسبت به ۸۳۴ مورد ثبت‌شده در سال ۲۰۲۳ میلادی، ۱۷ درصد افزایش را نشان می‌دهد. این افزایش نشان‌دهنده بالاترین تعداد اعدام‌های ثبت‌شده در ایران در بیش از دو دهه اخیر است، به‌ویژه در نیمه دوم سال که همزمان با تشدید تنش‌ها میان ایران و اسرائیل بود.

محمود امیری‌مقدم، مدیر سازمان حقوق بشر ایران، در واکنش به این گزارش گفت:

«در حالی که ایران با وجود قطعنامه‌های بین‌المللی و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، همچنان به مجازات اعدام ادامه می‌دهد، شاهد افزایش نگران‌کننده مجازات اعدام در سال ۲۰۲۴ هستیم. این افزایش نگران‌کننده، به‌ویژه در نیمه دوم سال که همزمان با تشدید تنش‌ها میان ایران و اسرائیل بود، رخ داده است. این افزایش نگران‌کننده، به‌ویژه در نیمه دوم سال که همزمان با تشدید تنش‌ها میان ایران و اسرائیل بود، رخ داده است. این افزایش نگران‌کننده، به‌ویژه در نیمه دوم سال که همزمان با تشدید تنش‌ها میان ایران و اسرائیل بود، رخ داده است.»

«در سال ۲۰۲۳، ۱۵ درصد اعلام شده در سال

از میان این اعدام‌ها، تنها ۹۵ مورد (کمتر از ۱۰ درصد) به‌طور رسمی اعلام شد، که این میزان نسبت به ۱۵ درصد اعلام‌شده در سال ۲۰۲۳ کاهش محسوسی را نشان می‌دهد. این عدم شفافیت عمدی، علاوه بر تضعیف پاسخگویی، باعث می‌شود که مقیاس واقعی استفاده حکومت از مجازات اعدام پنهان بماند.

بخش قابل‌توجهی از این اعدام‌ها به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر انجام شده است، به‌طوری‌که دستکم ۵۰۳ نفر در این رابطه اعدام شده‌اند؛ افزایش چشمگیر در مقایسه با سال‌های گذشته. این اعدام‌ها به‌طور نامتناسبی اقلیت‌های به حاشیه رانده‌شده، ازجمله اقلیت بلوچ را تحت تأثیر قرار داده است.

با وجود این روند نگران‌کننده، دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل (UNODC) در برابر این مسئله سکوت اختیار کرده و همچنان به همکاری‌های اجرایی خود با جمهوری اسلامی ادامه داده است. این در حالی است که در ماه آوریل، ۸۴ سازمان حقوق بشری، ازجمله IHRNGO و ECPM، بیانیه‌ای جهانی صادر کردند و از UNODC خواستند که پروژه‌های اجرایی خود را در ایران تا زمان توقف این اعدام‌ها به حالت تعلیق درآورد.

رافائل شنوئیل-هزان، مدیر اجرایی ECPM، در انتقاد از ادامه همکاری‌های UNODC با ایران درحالی‌که آمار اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر به بالاترین حد خود رسیده است، گفت:

«UNODC یک سازمان بین‌المللی است که باید استانداردهای حقوق بشر را رعایت کند. با این حال، در ایران، اعدام‌ها به‌طور گسترده و علنی انجام می‌شود و هیچ گزارش رسمی از این اعدام‌ها منتشر نمی‌شود. UNODC باید از ادامه همکاری‌های خود با ایران خودداری کند تا زمانی که ایران به شفافیت و پاسخگویی در مورد اعدام‌ها متعهد شود.»

سال ۲۰۲۴ همچنین شاهد بیشترین تعداد اعدام‌های قصاص (قصاص‌النفس) در بیش از دو دهه اخیر بوده است، به‌طوری‌که دستکم ۴۱۹ نفر به اتهام قتل اعدام شده‌اند. قوانین قصاص که به شدت غیرانسانی و ظالمانه هستند، مسئولیت اجرای حکم اعدام را بر دوش خانواده قربانی می‌گذارند و از آنجایی که سقف قانونی برای دیه وجود

ندارد، شمار زیادی از متهمان به دلیل ناتوانی در پرداخت مبالغ سرسام‌آور دیه اعدام می‌شوند.

برای نمونه، عباس کریمی، پدری دارای دو فرزند، به دلیل عدم توانایی در پرداخت بیش از یک میلیون یورو دیه اعدام شد. در موردی دیگر، احمد علیزاده به مدت ۲۸ ثانیه به دار آویخته شد، سپس بنا به درخواست شاکی از چوبه دار پایین آورده و احیا شد، اما چند هفته بعد مجدداً اعدام گردید.

مقامات ایرانی در سال ۲۰۲۴ سرکوب مخالفان سیاسی را تشدید کردند و دستکم ۱۰ نفر را که با گروه‌های اپوزیسیون ممنوعه مرتبط بودند، اعدام کردند. از این تعداد، ۹ نفر زندانی سیاسی کرد و یک زندانی سیاسی دوتابعیتی ربوده‌شده از یک کشور همسایه بودند. تمامی این افراد پس از محاکمات نمایشی در دادگاه‌های انقلاب به اعدام محکوم شدند.

همچنین، محمد قبادلو و رضا رسایی، دو معترض جنبش زن، زندگی، آزادی، به اتهام قتل اعدام شدند. رضا رسایی، که یک معترض کرد و پیرو آیین یارسان بود، بر اساس اعترافات اجباری تحت شکنجه و علم قاضی محکوم شد. چندین معترض دیگر این جنبش همچنان در معرض خطر اعدام قرار دارند.

اعدام زنان نیز به سطحی نگران‌کننده رسید، به‌طوری‌که دستکم ۳۱ زن اعدام شدند، که بیشترین تعداد از زمان شروع ثبت این آمار توسط IHRNGO در سال ۲۰۰۷ است.

دو فعال کرد، پخشان عزیزی و وریشه مرادی، به اعدام محکوم شدند، اما به لطف کارزارهای مردمی و فشارهای بین‌المللی، اجرای احکام آن‌ها تاکنون متوقف شده است.

جمهوری اسلامی همچنین به عنوان یکی از معدود کشورهای جهان، همچنان اعدام در ملأ عام و اعدام مجرمان کودک را ادامه داد. دستکم یک مجرم کودک اعدام شد و تحقیقات درباره سه مورد دیگر همچنان در جریان است. افزون بر این، حکومت سرکوب شهروندان افغانستانی را نیز تشدید کرد و با اجرای دستکم ۸۰ اعدام، که سه برابر آمار سال قبل است، سیاست‌های تبعیض‌آمیز خود را علیه این گروه افزایش داد.

در مقابل این سرکوب فزاینده، مخالفت‌های داخلی و بین‌المللی با

مجازات اعدام افزایش یافته است. در داخل ایران، زندانیان کارزار «سه‌شنبه‌های بدون اعدام» را آغاز کردند، که جنبشی اعتراضی با حمایت جهانی است و بیش از یک سال ادامه داشته است.

محمود امیری‌مقدم، مدیر سازمان حقوق بشر ایران، درباره این کارزار گفت:

«این کارزار نشان‌دهنده عزم قوی مردم ایران برای مقابله با اعدام است. ما می‌دانیم که اعدام یک مجازات غیرانسانی است و هیچ‌گاه نباید به عنوان راه‌حلی برای حل مشکلات اجتماعی یا سیاسی استفاده شود. ما خواهان لغو کامل اعدام هستیم و می‌خواهیم که سیستم قضایی ایران بر اساس اصول حقوق بشر و استانداردهای بین‌المللی بازنگری شود. ما همچنین می‌خواهیم که دولت ایران به تعهدات بین‌المللی خود در زمینه حقوق بشر عمل کند و از اعدام‌ها دست بردارد.»

افزایش شدید اعدام‌ها در سال ۲۰۲۴ نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی بیش از پیش به مجازات اعدام متوسل شده تا مخالفان را خاموش و کنترل خود را حفظ کند. از سال ۲۰۱۰ تاکنون، بیش از ۸,۸۰۰ اعدام در ایران ثبت شده است.

همزمان با انتشار این گزارش، سازمان حقوق بشر ایران (IHRNGO) و ECPM از جامعه بین‌المللی، از جمله شورای حقوق بشر سازمان ملل، UNODC، و دولتهایی که با ایران روابط دیپلماتیک دارند، درخواست می‌کنند که مسئله اعدام را در اولویت مذاکرات خود با مقامات ایرانی قرار دهند. فشار بین‌المللی مستمر برای افزایش هزینه سیاسی اعدام‌ها و توقف ماشین کشتار جمهوری اسلامی ضروری است.

برگرفته از سایت سازمان حقوق بشر ایران - 20 فوریه 2025

[/https://iranhr.net/fa/reports/42](https://iranhr.net/fa/reports/42)

کارزار جمهوری اسلامی برای جلوگیری از تصویب قطعنامه سازمان ملل



Abdorrahman
Boroumand Center

For Human
Rights
In Iran

ارائه گزارش فریبکارانه به کشورهای عضو گزارش بنیاد عبدالرحمن برومند 3 آوریل 2025

در بهار امسال، همانند هر سال از سال ۱۳۹۰ تاکنون، قرار است شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد درباره قطعنامه‌ای رأی‌گیری کند که به موارد جدی و مستمر نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. در اواخر اسفند ۱۴۰۳، جمهوری اسلامی ایران برای تاثیرگذاری بر نتیجه این رأی‌گیری، سندی با عنوان «گزارش دوم کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های ۱۴۰۱» را به‌صورت گسترده میان کشورهای عضو پخش کرده است. هدف از این گزارش حمایت از کارزار همیشگی دولت ایران برای ترغیب اعضای شورا به دادن رأی مخالف به این قطعنامه است، که در صدد تمدید ماموریت گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد ایران و گسترش و تمدید ماموریت «هیات حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی» در جمهوری اسلامی ایران برای یک سال دیگر است. با این حال، شواهد و واقعیات موجود در داخل کشور تردیدهای جدی

درباره صداقت دولت ایران ایجاد کرده و تلاش مداوم آن برای گمراه کردن جامعه بین‌الملل را آشکار می‌سازد.

رویا برومند، مدیر اجرایی بنیاد عبدالرحمن برومند گفت: «این موارد شامل داده‌های نادرست درباره تعداد قربانیان، ادعاهای کاذب درباره استفاده نکردن نیروهای مسلح از سلاح گرم، انکار مسئولیت در کشتار معترضان، تحریف دلایل اعدام معترضان و ادعاهای نادرست درباره نبود پیگرد قانونی زنان به دلیل رعایت نکردن حجاب اجباری است. گزارش کمیته ویژه، بدون ذکر نام قربانیان یا عاملان جنایات، داده‌هایی را ارائه می‌دهد و هیچ شواهدی برای تأیید ادعاهای خود ارائه نمی‌کند.

آمار کشته‌شدگان اعتراضات و مسئولیت دولت

در بخش سوم گزارش با عنوان «یافته‌های تکمیلی کمیته ویژه در خصوص جانباختگان و مصدومان»، جدولی ارائه شده که ۲۸۱ مورد مرگ را به صورت زیر طبقه‌بندی می‌کند:

۹۰ نفر به‌عنوان «آشوبگر و عناصر مسلح و تروریست»، ۱۱۲ نفر «مردم حاضر در صحنه که ضارب آنها و مشارکت عمده آنها در آشوب مبهم و نامشخص است»، ۵۴ نفر «مجریان قانون» و ۲۵ نفر «شهید مردمی ناشی از عملیات تروریستی» که در شهرهای شیراز، ایزه، آمل، همدان و کرمانشاه کشته شدند.

کمیته ویژه در هیچ بخشی از گزارش، مسئولیت دولت را در قبال کشتار معترضان خشونت پرهیز یا ناظران خاموش بی‌گناه نپذیرفته است. با این حال، در پرونده‌های قضایی متعدد، مسئولیت نیروهای دولتی در کشتن غیرنظامیان تأیید شده است.

برای نمونه:

مهران سماک در تاریخ ۸ آذر ۱۴۰۱ در بندرانزلی با شلیک ساچمه‌ای از سوی نیروهای امنیتی کشته شد.

محمد جامه‌بزرگ در ۲ مهر ۱۴۰۱ پس از آن‌که حاضر نشد بدون حکم قضایی با نیروهای سپاه همراه شود، از فاصله یک متری با شاتگان کشته شد.

در این دو مورد، مسئولیت دولت و حتی هویت عاملان تیراندازی مشخص شده است.

در چهار مورد دیگر شامل ابوالفضل آدینه‌زاده، فریدون محمودی، مهدی ببرنژاد و امید مویدی، دادگاه‌ها تأیید کرده‌اند که نیروهای دولتی مسئول مرگ این افراد بودند، هرچند افراد مشخصی معرفی یا محاکمه نشدند.

در مورد هفت شهروند کشته‌شده در ایزه نیز، این گزارش آن‌ها را قربانی «آشوب‌گر و عناصر مسلح و تروریست» معرفی می‌کند. در صفحه ۲۱، بخش ششم قسمت (ج) گزارش، واقعه ایزه به عنوان یک «حمله تروریستی» توصیف شده است.

اما در دست‌کم سه مورد از این هفت قربانی (کیان پیرفلک، آرتین رحمانی و میلاد سعیدیان‌جو) روایت خانواده‌ها به‌طور مستقیم با روایت رسمی تناقض دارد:

• کیان پیرفلک، پسر ۹ ساله‌ای که در ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در حالی که در خودروی شخصی کنار خانواده‌اش نشسته بود، هدف گلوله قرار گرفت. با اینکه مقامات، مجاهد (عباس) کورکور را به قتل او متهم و به اعدام محکوم کردند، مادر کیان، ماه‌منیر مولایی شهادت داد که شخصاً دیده نیروهای امنیتی به خودروی آن‌ها شلیک کرده و فرزندش را کشته‌اند. خانواده به صورت رسمی، با امضای یک سوگندنامه، هرگونه اتهام علیه کورکوری و سایر بازداشت‌شدگان ایزه را رد کردند.

• آرتین رحمانی، نوجوان ۱۶ ساله‌ای که همان روز در جریان اعتراضات ایزه کشته شد. با وجود اینکه دولت باز هم مجاهد کورکوری را مسئول دانست، خانواده آرتین این اتهام را قویاً رد کردند. دایی او شهادت داد که در لحظه وقوع حادثه کنار کورکوری بوده و او نمی‌توانسته قاتل آرتین باشد. او همچنین گفت که دیده نیروهای امنیتی به میلاد سعیدیان‌جو شلیک کردند؛ فردی که در همان اعتراضات کشته شد.

با این حال، دستگاه قضایی میلاد را نیز قربانی «حمله تروریستی» معرفی کرد و مسئولیت را به گردن کورکوری انداخت.

این سه نفر به‌طور رسمی قربانیان حملات تروریستی معرفی شده‌اند،

در حالی که خانواده‌هایشان اصرار دارند عاملان قتل، نیروهای دولتی بودند.

گزارش همچنین مدعی است که: «از آغاز ناآرامی‌ها تاکنون، سیاست جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر پاسخگویی و شفافیت بوده، و یافته‌های تحقیقات نشان می‌دهد که ادعای مصونیت ناقضان حقوق بشر در میان ماموران اجرای قانون کاملاً نادرست است».

در حالی که بررسی بنیاد عبدالرحمن برومند بر روی ۱۶ پرونده‌ی شکایت علیه نیروهای امنیتی، در نبود شفافیت و نظارت مستقل، فقط در دو مورد منجر به محاکمه و محکومیت ماموران دولتی شده است. ۱۰ پرونده به مدت دو سال بی‌نتیجه باقی ماندند. مقامات، خانواده‌ها را تحت فشار، تهدید و پیگرد قرار دادند تا از پیگیری قضایی دست بکشند. در چهار مورد دیگر، دستگاه قضایی مسئولیت نیروهای امنیتی را پذیرفته، اما هیچ‌کدام از عاملان را معرفی یا محاکمه نکرده است.

خانواده‌هایی که در پی اجرای عدالت بودند، با تهدید، آزار و پیگرد قضایی مواجه شدند، در حالی که وکلایشان نیز با خطر زندان یا محرومیت شغلی روبه‌رو بودند. قوه قضاییه اغلب از پیگیری عاملان سر باز زده و در برخی موارد، صرفاً با پیشنهاد غرامت مالی تلاش کرده خانواده‌ها را به سکوت وادارد.

پرونده‌های قضایی و احکام صادر شده

بخش چهارم گزارش دولت، با عنوان «وضعیت بازداشت‌شدگان، پرونده‌های قضایی و آراء صادره»، در بند (الف - ۳) فهرستی از ۱۰ فرد اعدام‌شده ارائه می‌دهد که گفته شده مرتکب قتل و آدمکشی شده‌اند. گزارش تأکید می‌کند که این افراد به درخواست خانواده‌های قربانیان اعدام شدند: «قصاص (انتقام‌جویی برابر) همچنان حق خصوصی بستگان نزدیک قربانیان باقی می‌ماند. به همین دلیل، در مواردی که خانواده‌های قربانیان به طور قاطع از بخشش محکومان خودداری کردند، احکام اعدام صادر و پس از طی مراحل قانونی دقیق، اجرا شد.»

با این حال، براساس تحقیقات بنیاد عبدالرحمن برومند، در مواردی، این ادعا با اسناد قضایی و گزارش‌های پیشین رسانه‌های رسمی ایران در تضاد است؛ بر اساس این شواهد، برخی از اعدام‌های ذکرشده در گزارش کمیته ویژه، هیچ ارتباطی با قصاص یا شکایت

خصوصی نداشته‌اند.

محسن شکاری

محسن شکاری، اولین فرد ذکر شده در فهرست اعدام‌ها، اصلاً متهم به قتل هیچ‌کس نبود. حکم اعدام او بر اساس قصاص صادر نشده بود، بلکه با اتهام «محاربه» صورت گرفت.

شکاری در تاریخ ۳ مهر ۱۴۰۱ به دلیل بستن خیابان و زخمی‌کردن سطحی یک مامور امنیتی در نزدیکی خیابان ستارخان در تهران بازداشت شد. دادگاه انقلاب تهران او را به اتهام «محاربه از طریق استفاده از سلاح سرد با قصد قتل، ایجاد ترس و وحشت، و سلب امنیت عمومی و برهم‌زدن نظم» محکوم کرد. در این پرونده، هیچ شاکی خصوصی وجود نداشت که این موضوع برخلاف ادعای گزارش دولتی است.

کل روند بازداشت، محاکمه و اعدام شکاری تنها در مدت ۷۴ روز انجام شد که نگرانی‌های جدی را درباره عادلانه بودن محاکمه او برمی‌انگیزد.

علاوه بر این، دو وکیل ایرانی، علی مجتهدزاده و نعمت احمدی تأکید کردند که پرونده شکاری حتی با تعریف قانونی محاربه نیز هم‌خوانی نداشته است. طبق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی، محاربه زمانی مصداق دارد که سلاح برای آسیب رساندن به غیرنظامیان یا ایجاد ترس در میان مردم استفاده شود، نه زمانی که علیه ماموران دولتی به کار می‌رود.

محمد مهدی کرمی

محمد مهدی کرمی، دومین فرد در فهرست، نیز به اتهام محاربه اعدام شد، نه قتل. او در تاریخ ۱۴ آبان ۱۴۰۱ به دلیل شرکت در اعتراضات و حضور در محل حادثه‌ای که در آن یک عضو بسیج به نام روح‌الله عجمیان کشته شده بود، بازداشت شد. کرمی و ۱۵ نفر دیگر متهم شدند که عجمیان را مورد ضرب‌وشتم قرار داده و باعث مرگ او شدند.

با این حال، هیچ تحقیقاتی برای شناسایی ضربه مرگبار یا تعیین علت دقیق مرگ انجام نشد. کرمی از حق انتخاب وکیل محروم شد. وکیل تسخیری او دفاع موثری ارائه نکرد. همچنین گزارش‌ها حاکی از

آن است که کرمی در حین بازجویی تحت شکنجه قرار گرفت که باعث شد اعتراف او از نظر قانونی غیرقابل پذیرش باشد. روند محاکمه او شتابزده بود و او ۶۲ روز پس از دستگیری، اعدام شد.

محمد قبادلو

محمد قبادلو، نهمین فرد در فهرست اعدام‌شدگان است. او به اتهام قتل یک مأمور پلیس به نام فریدون کریم‌پور حسنونند به اعدام محکوم شد. قبادلو ۲۲ ساله، حوالی نیمه‌شب ۳۰ شهریور ۱۴۰۱، پس از آنکه با خودروی خود به نیروهای موتورسوار امنیتی برخورد کرد، بازداشت شد و ۳۸ روز بعد به اتهام «افساد فی‌الارض» محاکمه شد. دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی، در آبان ۱۴۰۱ حکم اعدام او را صادر کرد.

به گفته مادرش، قبادلو در بازجویی و جلسه اول دادگاه وکیل نداشت. مقامات پزشکی قانونی تنها بر اساس اظهارات خود قبادلو وضعیت روانی او را ارزیابی کردند و نامه‌های مقامات زندان که از وضعیت روانی «ناپایدار» او خبر می‌دادند را نادیده گرفتند و هیچ‌گاه سوابق پزشکی‌اش را بررسی نکرد. مادر قبادلو نیز در پیامی ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی، به بیماری روانی و اختلالات ذهنی پسرش اشاره کرد.

در گزارشی از محاکمه او که در رسانه‌های رسمی ایران منتشر شد، دادستان مدعی شد قبادلو پنج مأمور امنیتی را زخمی کرده و یک نفر را کشته است. به دلیل نبودن امکان پیگیری قانونی در دستگاه قضایی، وکیل قبادلو اسناد و دفاعیاتش را در توییت‌ر منتشر کرد که به تناقضات جدی در پرونده و بی‌گناهی موکلش اشاره داشت.

برای مثال، گزارش اولیه پلیس از زخمی شدن شش مأمور خبر داده بود، اما گزارش بیمارستان نشان می‌داد که مأمور امنیتی بر اثر ضربه مغزی و شکستگی جمجمه جان خود را از دست داده و هیچ‌گونه آسیب بدنی دیگری نداشته است. افزون بر آن، این مأمور چند روز پس از بازداشت قبادلو یعنی در تاریخ ۴ مهر ۱۴۰۱ به بیمارستان منتقل شده و روز بعد جان باخته است.

در ویدیوی مراسم خاکسپاری او، سخنران اظهار داشت که مأمور امنیتی در حالی که تنها و توسط معترضان کتک خورده بود پیدا شده است. در این مراسم، سخنران به سوگواران گفت که او در یک درگیری خیابانی محاصره و کشته شده است. همچنین، ویدیویی که برای مدت

کوتاهی در وبسایت رسمی «شهدای ناجا» منتشر شد، صحنه‌هایی از اعتراضات در رباط کریم را نشان داد و اعلام کرد که مامور کریم‌پور توسط «اغتشاشگران» زخمی و به بیمارستان منتقل شده است. این روایت با داستان رسمی که قبادلو را تنها مسئول مرگ او معرفی می‌کند، مغایرت دارد.

خبرگزاری رسمی قوه قضاییه جمهوری اسلامی، میزان، در تاریخ ۲۵ آبان ۱۴۰۱ گزارشی درباره محکومیت سه معترض اعدام‌شده (بدون ذکر نام آنها) توسط دادگاه انقلاب تهران منتشر کرد. در گزارش میزان، هیچ اشاره‌ای به قتل برای هیچ‌یک از این سه جوان نشده است. گزارش مشخص می‌کند که آنها به اتهام «محاربه» یا «افساد فی‌الارض» محکوم شدند.

اعمالی که منجر به این محکومیت‌ها شد، شامل «جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، تخریب و اقدام علیه امنیت ملی که منجر به اختلال در نظم عمومی و ناامنی در کشور و وارد کردن خسارت به افراد و اموال عمومی» بود. میزان در گزارش خود نوشته این افراد از سلاح سرد برای حمله به یک مامور امنیتی با نیت قتل استفاده کرده، «باعث ترس در میان شهروندان و ناامنی در محیط» شدند و همچنین با بستن یک خیابان و جلوگیری از تردد وسایل نقلیه، «ترس ایجاد کرده و اموال عمومی را تخریب کردند، و نقش هدایت‌گری در این فعالیت‌ها داشتند.»

وضعیت کشته‌شدگان و زخمی‌ها و شکایات ثبت‌شده توسط شهروندان علیه ماموران نیروهای انتظامی

در بخش سوم گزارش کمیته ویژه تحت عنوان «یافته‌های تکمیلی کمیته ویژه در خصوص جانب‌باختگان و مصدومان»، زیرمجموعه‌های (الف و ب) ادعا می‌کنند که ۲۰۲ نفر از «آشوبگران و مردم حاضر در صحنه آشوب» و ۷۹ نفر «جانب‌باخته شهید توسط اغتشاشگران و عوامل تروریستی» کشته شدند. گزارش همچنین ادعا می‌کند که ۶۲۷ غیرنظامی در جریان اعتراضات زخمی شده‌اند و ۵۶۸۱ نفر از نیروهای مجری قانون نیز زخمی شده‌اند، در حالی که خود به این نکته نیز اشاره می‌کند که «آمار دقیقی از مصدومان و مجروحان به ویژه مصدومان مردمی به دلایلی مانند آسیب‌دیدگی جزئی، عدم مراجعه به مراکز درمانی، عدم مراجعه به مراجع قضایی وجود ندارد.»

بر اساس داده‌های گزارش، مجموع تعداد کشته‌شدگان و زخمی‌شدگان

غیرنظامیان و «آشوبگران» ۸۲۹ نفر است. در بخش چهارم، زیرمجموعه (ب)، گزارش بیان میکند که ۱,۱۴۸ شکایت به‌طور رسمی از سوی شهروندان علیه پرسنل نیروهای انتظامی ثبت شده است.

داده‌های کمیته ویژه در مورد کشته‌شدگان غیرنظامی و «اغتشاشگران» شامل جزئیات بیوگرافی یا اطلاعات مشخصی درباره قربانیان نیست. بنیاد عبدالرحمن برومند تاکنون، نام‌ها و اطلاعات مربوط به شرایط کشته شدن ۴۹۶ معترض و شاهد خیابانی را جمع‌آوری کرده است. با توجه به اینکه که کمیته ویژه، برخلاف بنیاد برومند، به سوابق پزشکی قانونی، بیمارستان‌ها و گورستان‌ها دسترسی دارد. این کمیته باید بتواند دست‌کم اسامی و جزئیات مربوط به چگونگی و محل کشته شدن غیرنظامیان و «اغتشاشگران» را ارائه کند.

علاوه بر این، داده‌های مربوط به شکایات ثبت‌شده توسط غیر نظامیان علیه نیروهای اجرای قانون محدود به تعداد شکایات است. گزارش هیچ اطلاعاتی ارائه نمی‌دهد که بتواند روش بررسی پرونده‌ها را روشن کند، مانند مبنای رد شکایات، یا اینکه آیا این شکایات صرفاً مربوط به غیرنظامیان کشته و زخمی‌شده توسط نیروهای دولتی بوده‌اند یا خیر. در این صورت، داده‌های گزارش نشان می‌دهد که تعداد شکایات ثبت‌شده ۳۱۹ مورد بیشتر از مجموع تعداد کشته‌شدگان و زخمی‌شدگان «غیرنظامیان» و «اغتشاشگر» بوده است.

ادعای خودداری نیروهای مسلح از استفاده از سلاح گرم در اعتراضات

گزارش در بخش «جمع‌بندی بررسی‌های صورت‌گرفته توسط کمیته ویژه» در قسمت (ج)، در خصوص نحوه برخورد نیروهای انتظامی با ناآرامی‌ها، می‌گوید فرماندهان نیروهای نظامی، پلیس و امنیتی به نیروهای انتظامی دستور دادند که از سلاح گرم یا خشونت علیه معترضان استفاده نکنند که رعایت دقیق این دستورات و جلوگیری از استفاده از زور منجر به رویکردی محتاطانه و با احتیاط در برخورد با اعتراضات شد. در بخش چهارم گزارش، همچنین ادعا شده است که «بیش از ۵,۰۰۰ نفر از پرسنل نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران و بسیج در جریان آشوب‌ها زخمی شدند که نشان‌دهنده رعایت مسامحه به‌کار رفته توسط نیروهای انتظامی در برخورد با آشوبگران است» و اینکه «اگر به نیروهای انتظامی اجازه استفاده از سلاح گرم یا مداخله قهرآمیز داده می‌شد، آشوب‌ها چندین ماه طول نمی‌کشید و ظرف چند روز به اتمام می‌رسید.»

با این حال، اطلاعات رسمی از حکم دادگاه در پرونده معترض مهدی ببرزاد با این ادعا مغایرت دارد. بر اساس یک سند از دادگاه تجدیدنظر نظامی استان خراسان:

«در این روز (۳۰ شهریور ۱۴۰۱ - قوچان)، نیروهای پُر شمار دولتی، از جمله پلیس، سپاه پاسداران و بسیج، در محل اعتراض حضور داشتند و مجموعاً از ۳۱۲ گلوله زنده، ۵۷ گلوله مشقی، ۲۸۰ فشنگ پلاستیکی و ۳۰ نارنجک گاز اشک‌آور و دودزا برای سرکوب اعتراضات استفاده کردند»

مهدی ببرنژاد که در اعتراضات قوچان در آن روز شرکت کرده بود، توسط نیروهای امنیتی با استفاده از کلاشینکف هدف قرار گرفت و بعدها در بیمارستان جان خود را از دست داد. دادگاه نظامی تأیید کرد که مرگ او به دلیل گلوله زنده‌ای بود که توسط پرسنل امنیتی شلیک شد. با این حال، هیچ فردی مسئول شناخته نشد و قربانی به عنوان «آشوبگر» شناسایی شد.

همچنین ده‌ها مصاحبه با قربانیان و شاهدان عینی کشتار ۸ مهرماه ۱۴۰۱ در زاهدان (استان سیستان و بلوچستان) - که بر اساس مستندات بنیاد برومند حداقل ۸۷ کشته بر جای گذاشت - به همراه اظهارات فاش‌شده مقامات بسیج و سپاه پاسداران، ادعای کمیته ویژه مبنی بر خویشتن‌داری نیروهای امنیتی در استفاده از سلاح‌های کشنده را به‌شدت زیر سؤال می‌برد.

در صفحه ۱۲ گزارش کمیته ویژه، در بخش ج تحت عنوان «»
«»، به حوادث ۸ مهر سیستان و بلوچستان پرداخته شده است. روایت گزارش از این
حادثه به شرح زیر است:

[illegible]

یک فایل صوتی فاش‌شده از جلسه دو ساعته (۱) چندین فرمانده بسیج

و سپاه پاسداران در آبان ۱۴۰۱، روایتی کاملاً متفاوت از روایت کمیته ویژه ارائه می‌دهد. در این فایل، هیچ اشاره‌ای به وجود معترضان مسلح سازمان‌یافته که به سمت پاسگاه پلیس تیراندازی کرده باشند نشده است. قاسم قریشی، جانشین فرمانده بسیج، تنها به پرتاب کوکتل مولوتف به سمت پاسگاه اشاره کرده و مسئولیت شمار بالای کشته‌شدگان را ناشی از وحشت و واکنش بیش‌ازحد یک تیرانداز مستقر روی پشت‌بام پاسگاه می‌داند. وی این واقعه را ناشی از قصور «تیرانداز بالای پاسگاه» دانسته و تاکید کرده که «متناسب با تهدید» عمل نشده و مامور کلانتری «بی‌حساب کتاب تیراندازی کرده» است.

در همین جلسه، قریشی فاش می‌کند که یک هیئت نمایندگی از سوی آیت‌الله خامنه‌ای به زاهدان سفر کرده است-نه تنها برای ابراز همدردی با قربانیان، بلکه برای «هشدار دادن» به مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان، که در حمایت از قربانیان موضعی صریح اتخاذ کرده بود.

ادعای مربوط به واکنش قضایی نسبت به حجاب نامناسب

در بخش (د) گزارش، با عنوان «بررسی ادعاهای مطروحه از سوی نهادهای بین‌المللی توسط کمیته ویژه»، بند شماره ۵ ادعا می‌کند:

«علاوه بر این، حجاب و عفاف ریشه دینی و تاریخی در فرهنگ و تمدن دینی ایران اسلامی دارد به نحوی که رعایت آن به صورت عرف و رسم پذیرفته در جامعه ما درآمده است و زنان ایرانی بر اساس این فرهنگ و سنت خود نوعی از پوشش به نام حجاب را برگزیده‌اند ضمن اینکه هیچ زنی به جرم عدم رعایت حجاب در دستگاه قضایی ایران مورد محاکمه قرار نگرفته است.»

با این حال، سوابق قضایی این ادعا را رد می‌کند. زنان در ایران به‌طور مستمر و صرفاً به‌دلیل رعایت نکردن قانون حجاب اجباری با پیگرد و مجازات قانونی مواجه بوده‌اند. بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱، مرکز عبدالرحمن برومند تنها در تهران، دست‌کم ۱۷ مورد شناسایی کرده است که در آن دادگاه‌های ایران زنان را به اتهاماتی مانند «ظاهر شدن در انظار عمومی بدون حجاب اسلامی مناسب» یا «بی‌حجابی در اماکن عمومی» محاکمه و به جریمه، شلاق یا حبس محکوم کردند.

در آبان ۱۴۰۳، پرونده روشنگ مولایی علی‌شاه توجه زیادی را جلب

کرد. در ۱۰ آبان ۱۴۰۳، مولایی علیشاه که بدون روسری در یکی از خیابان‌های تهران قدم می‌زد، از سوی راکب موتورسیکلتی که از پیاده‌رو عبور می‌کرد، مورد لمس فیزیکی نامناسب قرار گرفت. ویدئوی این اتفاق و واکنش عصبی او به این فرد به‌صورت گسترده منتشر شد و مولایی علیشاه در تاریخ ۱۲ آبان به‌دلیل رعایت نکردن قانون حجاب اجباری بازداشت و به دادرسی ناحیه ۳۸ منتقل و با وثیقه آزاد شد. روز بعد، تلفنی احضار و نهایتاً در ۱۴ آبان به زندان قرچک منتقل شد و تا ۳ آذر در بازداشت بود. بر اساس گزارش‌های موثق، او در تاریخ ۲۹ آبان از طریق ویدئو کنفرانس در شعبه ۱۰۹۷ دادگاه ارشاد محاکمه شد. دادگاه او را به اتهام «اخلال در عفت عمومی» مجرم شناخت و به ۷۴ ضربه شلاق و دو سال ممنوع‌الخروجی محکوم کرد. با احتساب روزهای بازداشت، تعداد ضربات کاهش یافت و او در ۳ آذر در اجرای احکام زندان قرچک ۱۴ ضربه شلاق اجرا شد و در همان روز از زندان آزاد شد.

موارد زیر، که از اسناد رسمی منتشر شده استخراج شده‌اند، گواهی بر پیگرد زنان صرفاً به‌دلیل عدم رعایت حجاب هستند:

▪ ز. ت. در ۲۶ تیر ۱۳۹۸ توسط شعبه ۱۰۸۹ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی ارشاد به ریاست قاضی جعفر خورشاهیان محاکمه و به پرداخت جریمه نقدی بیست میلیون ریال محکوم شد.

▪ ز. ه. به‌دلیل بی‌حجابی محاکمه و در ۱ مرداد ۱۳۹۹ توسط شعبه ۱۰۷۷ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی شهید مدرس به ریاست قاضی سید مهدی ابوطالبی به ۱۰ روز حبس تعزیری محکوم شد که به جریمه پنجاه میلیون ریالی تبدیل شد.

▪ ش. و. در ۱۴ بهمن ۱۳۹۹ توسط شعبه ۱۰۹۰ دادگاه کیفری دو تهران به ریاست قاضی وحید ناصری، به‌دلیل «ظاهر شدن در انظار عمومی بدون حجاب اسلامی مناسب و انجام عمل حرام با پوشیدن لباس بسیار نامناسب در انظار عمومی» به ۳۸ ضربه شلاق با تعلیق دو ساله محکوم شد.

▪ س. ه. در تاریخ ۶ مرداد ۱۴۰۰ توسط شعبه اجرایی شماره ۳ دفتر دادستانی عمومی و انقلاب، منطقه ۳۸ تهران، به ۷۴ ضربه شلاق و ۲ سال زندان محکوم شد که به مدت ۳ سال تعلیق شد؛ همچنین به ۶ ماه شرکت در شش «اردوگاه جهادی» وابسته به بسیج (بخش زنان) تحت نظارت حفاظت و اطلاعات سپاه پاسداران، و ۴ ساعت خدمت عمومی ماهیانه به مدت ۶ ماه در حرم عبدالعظیم حسنی (شاه عبدالعظیم) برای «ظاهر شدن در

انظار عمومی بدون حجاب، نقض قوانین حجاب، نقض عفت عمومی و مخالفت با الزام قانونی پوشش اسلامی برای زنان» محکوم شد.

م. الف. در ۱۵ بهمن ۱۴۰۱ توسط شعبه ۱۱۹۱ دادگاه کیفری دو تهران به ریاست قاضی ابوالفضل عماري شهرايي، بابت «ظاهر شدن بدون حجاب اجباري در انظار عمومی و اخلاص در نظم و آسایش عمومی» به ۹۱ روز حبس تعزیری، ۷۴ ضربه شلاق، و پرداخت جریمه نقدی صد میلیون ریال محکوم شد.

این نمونه‌ها این حقیقت را به روشنی نشان می‌دهند که زنان در سیستم قضائی ایران تنها به‌دلیل عدم رعایت قوانین حجاب مورد پیگرد قانونی قرار گرفته‌اند و کمیته ویژه به صورت عامدانه سعی در گمراه کردن کشورهای عضو دارد.

گزارش کمیته ویژه که از سوی ایران برای مقابله با قطعنامه سازمان ملل منتشر شده، در تمام حوزه‌ها -از جمله کشتار معترضان، پاسخگویی دولت، روندهای قضایی، رفتار نیروهای امنیتی و برخورد با زنان بر سر قوانین حجاب- سرشار از اطلاعات نادرست است. این گزارش، مسئولیت دولت در قتل‌ها را علیرغم احکام مستند دادگاه‌ها انکار می‌کند، اعدام‌های مرتبط با اعتراضات را تحریف کرده و شواهد روشن درباره پیگردهای قانونی به دلیل عدم رعایت حجاب را نادیده می‌گیرد. همچنین، روایت آن از خویشتن‌داری نیروهای امنیتی، به‌ویژه در «جمعه خونین زاهدان»، با اظهارات فاش‌شده، اسناد رسمی، و یافته‌های مستقل کمیته حقیقت‌یاب مغایرت دارد.

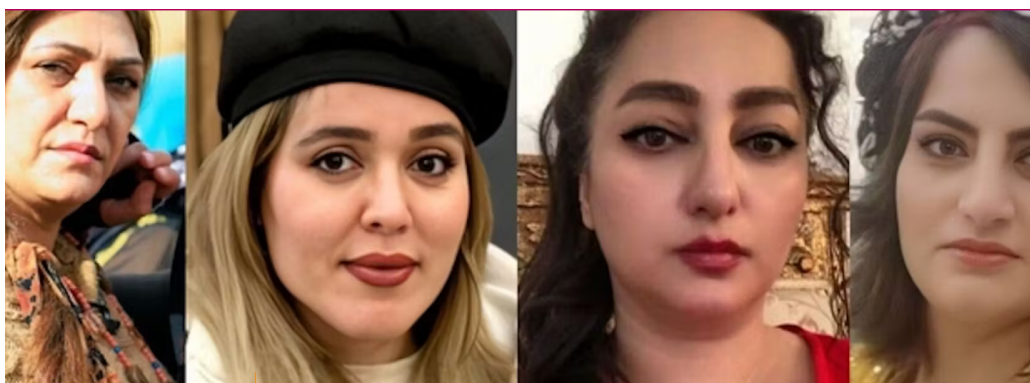
رویا برومند، مدیر اجرایی بنیاد برومند، در این باره گفت: «... جمهوری اسلامی ایران در پی اجرای دقیق و بی‌شائبه قوانین اسلامی و حفظ امنیت ملی است. هرگونه نقض قوانین، به‌ویژه در زمینه حجاب، به‌شدت مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرد. ما به‌طور مداوم تلاش می‌کنیم تا با برخورد قاطع با متخلفان، نظم و انضباط اجتماعی را برقرار نگه‌داریم. این اقدامات، نه تنها برای حفظ ارزش‌های اسلامی، بلکه برای تضمین حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان است. ما به‌طور جدی در پی شناسایی و برخورد با عوامل فساد و تخلف هستیم.»

بنیاد عبدالرحمن برومند از کشورهای عضو می‌خواهد به این قطعنامه رأی دهند تا نقض حقوق بشر در ایران تحت نظارت بماند و جمهوری اسلامی برای تخلفات آشکار خود پاسخگو شود. بدون تداوم توجه بین‌المللی، مصونیت از مجازات همچنان ادامه خواهد یافت و زمینه را برای تکرار این جنایات فراهم خواهد کرد. ادامه کار کمیته حقیقت‌یاب و مأموریت گزارشگر ویژه، برای پرداختن به موانع

ساختاری و دلایلی که منجر به مصون از مجازات ماندن عاملان و تکرار این فجایع میشوند، امری حیاتی است.

(۱) فایل صوتی از سوی گروه هکری «بلک ریوارد» در کانال تلگرامی این گروه به تاریخ ۸ آذر ۱۴۰۱ منتشر شده است. بحثها پیرامون «جمعه خونین زاهدان»، در انتهای این فایل صوتی دو ساعته و از ساعت ۰۱.۵۰ دقیقه به بعد مطرح شده. کپی این فایل صوتی، از کانال تلگرامی «بلک ریوارد» دانلود و در آرشیو «بنیاد عبدالرحمن برومند» ذخیره شده است.

ایران فشار بر فعالان زنان را افزایش داده است



سازمان عفو بین‌الملل

28 اسفند 1403 - 18 مارس 2025

عفو بین‌الملل جمهوری اسلامی را به تشدید سرکوب زنان به‌ویژه پس از جنبش «زن، زندگی، آزادی» متهم کرده و از جامعه جهانی خواسته، همزمان با نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل از حقوق زنان ایران حمایت کند.

سازمان حقوق بشری عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای ایران را به تشدید سرکوب مدافعان حقوق زنان، روزنامه‌نگاران، خوانندگان، برابری‌خواهان و زنانی که از پوشش اجباری سرباز می‌زنند متهم

کرده است.

عفو بین‌الملل در این بیانیه که سه‌شنبه ۱۸ مارس (۲۸ اسفند) منتشر کرده می‌گوید، جمهوری اسلامی با بازداشت خودسرانه، تعقیب ناعادلانه، شلاق و حتی مجازات اعدام تلاش دارد تا جنبش زنان ایران را در نطفه خفه کند.

از هشتم مارس، روز جهانی زن برابر با ۱۸ اسفند مقام‌های مسئول ایرانی دست کم پنج کنشگر حقوق زنان را به صورت خودسرانه بازداشت کرده‌اند.

در همین حال سیر سرکوب شدید، شامل احضار فعالان حقوق زنان و روزنامه‌نگاران، بازداشت خوانندگان زن دارای پوشش اختیاری و بستن حساب‌های کاربری آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی ادامه دارد.

پیش از روز جهانی زن قوه قضائیه دستور اجرای حکم ۷۴ ضربه شلاق مهدی یراحی، خواننده ترانه‌های اعتراضی و مخالف حجاب اجباری را داد و در فوریه سال جاری (۲۰۲۵) نیز یک فعال حقوق زنان را به اعدام محکوم کرد.

دیانا الطحاوی، معاون مدیر منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین‌الملل می‌گوید، مقام‌های ایران بعد از جنبش مهسا زنان و دخترانی را که در دفاع از حقوق خود برآمدند، "تهدیدی برای موجودیت سیاسی و امنیتی" خود می‌دانند.

به گفته او، آن‌ها به جای این که راه رفع تبعیض و خشونت سازمان‌یافته را پیش بگیرند سعی دارند جنبش زنان را سرکوب کنند.

الطحاوی از جامعه جهانی خواسته تا همزمان با نشست کلیدی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران و در چارچوب مذاکرات تمدید مأموریت گزارشگر ویژه و کمیته حقیقت‌یاب این سازمان در مورد ایران، علیه مصونیت مقام‌های جمهوری اسلامی و در دفاع از حقوق زنان و دختران این کشور بایستد.

او از دولت‌های جهان خواسته تا از نفوذ خود برای فشار بر جمهوری اسلامی در جهت توقف آزار و اذیت کنشگران حقوق زنان و آزادی فوری افرادی که خودسرانه بازداشت شده‌اند، استفاده کنند.

قرار است که در پنجاه و هشتمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل

که از ۲۴ فوریه تا چهارم آوریل (ششم اسفند تا ۱۵ فروردین) در ژنو برپا می‌شود مأموریت کمیته حقیقت‌یاب و گزارشگر ویژه این سازمان در امور ایران تمدید شود.

همچنین امروز سه‌شنبه ۲۸ اسفند نیز نشست مشترکی برای بررسی این دو مأموریت تشکیل خواهد شد.

بازداشت فعالان زن به دلیل شرکت در مراسم هشتم مارس

عفو بین‌الملل می‌گوید، پیش از آن که هشتم مارس، روز جهانی زن فرابرسد مقام‌های ایران زنان را تهدید کرده و آن‌ها را به عدم تجمع در این روز و مطالبه حقوقشان فراخواندند.

از ۱۰ مارس نیز مأموران اطلاعاتی چهار فعال کرد حقوق زنان به نام‌های لیلا پاشایی، باران ساعدی، سهیلا مطاعی و سوما محمدرضایی را به دلیل شرکت در مراسم روز جهانی زن در استان کردستان بازداشت کردند.

این افراد به صورت خودسرانه به سلول‌های انفرادی بازداشتگاهی در سنندج منتقل و در آنجا بدون داشتن وکیل بازجویی شده‌اند.

عفو بین‌الملل قوانین حجاب تحمیلی را که حتی بر دختران هفت‌ساله نیز روا می‌شود، نقض مجموعه‌ای حقوقی شامل برابری، آزادی بیان، دین و عقیده، حریم خصوصی، استقلال فردی و کرامت انسانی خوانده است.

در مارس سال ۲۰۲۴ کمیته حقیقت‌یاب در گزارشی اعلام کرد که مقام‌های ایران دست به سلسله اقداماتی گسترده، مداوم و سازمان‌یافته زده‌اند که هر یک به تنهایی نقض حقوق بشر علیه زنان و دختران به شمار می‌رود و در زمره آزار و سرکوب سازمان‌یافته قرار می‌گیرد.

متن بالا برگرفته از سایت دویچه‌وله به تاریخ 28 اسفند 1403 - 18 مارس 2025.

متن اصلی به زبان فرانسه در سایت عفو بین‌الملل:

[En Iran, la répression contre les femmes se durcit](#)